# فهرست مطالب:

[خطبه اول 3](#_Toc429409738)

[سالگرد ارتحال امام (ره) و شهدای 15 خرداد 3](#_Toc429409739)

[ارتحال آیت‌الله‌العظمی بروجردی 3](#_Toc429409740)

[تضعیف جبهه ملی 3](#_Toc429409741)

[کنار رفتن مردم و حزب توده 4](#_Toc429409742)

[تشییع‌جنازه آیت‌الله بروجردی 4](#_Toc429409743)

[نقشۀ شوم رژیم 4](#_Toc429409744)

[ظهور امام (ره) درصحنه مرجعیت 5](#_Toc429409745)

[سنجش قدرت مردم 5](#_Toc429409746)

[حذف قرآن و اسلام از قانون 5](#_Toc429409747)

[عقب‌نشینی دولت 5](#_Toc429409748)

[بیداری امام (ره) 6](#_Toc429409749)

[حرف نهایی حوزه قم در برابر دستگاه پهلوی 6](#_Toc429409750)

[لغو قانون ضد اسلامی 6](#_Toc429409751)

[سخنرانی امام (ره) 6](#_Toc429409752)

[مسئله انقلاب سفید و اصلاحات شاه 7](#_Toc429409753)

[توهین به روحانیت و حوزه 7](#_Toc429409754)

[برگزاری رفراندوم 8](#_Toc429409755)

[حمله به فیضیه 8](#_Toc429409756)

[سخنرانی امام (ره) بعد از حمله به فیضیه 8](#_Toc429409757)

[سخنرانی امام (ره) در روز عاشورا 8](#_Toc429409758)

[کوتاه نیامدن امام (ره) از سخنرانی 9](#_Toc429409759)

[تغییر مسیر تاریخ با سخنرانی امام (ره) 9](#_Toc429409760)

[تجدید عاشورای حسینی 9](#_Toc429409761)

[احساس آرامش امام (ره) بعد از سخنرانی 10](#_Toc429409762)

[اسلام درخطر 10](#_Toc429409763)

[درخشندگی صحنه مرجعیت با حضور امام (ره) 10](#_Toc429409764)

[دستگیری امام (ره) 11](#_Toc429409765)

[آزادی امام (ره) 11](#_Toc429409766)

[مسئله کاپیتولاسیون 11](#_Toc429409767)

[خط‌مشی امام 12](#_Toc429409768)

[دعا 12](#_Toc429409769)

[خطبه دوم 12](#_Toc429409770)

[نگاهی به خطبه اول 13](#_Toc429409771)

[طرح یک حکومت الهی توسط امام (ره) 13](#_Toc429409772)

[نکات برجسته فکر امام (ره) 14](#_Toc429409773)

[1 ـ مسئله رهبری و ولایت‌فقیه 14](#_Toc429409774)

[2 ـ مجاهده و برخورد قاطع با دشمنان اسلام 14](#_Toc429409775)

[حیرت دینی و تعصب مذهبی امام(ره) 14](#_Toc429409776)

[3 ـ اعتماد به مردم 15](#_Toc429409777)

[4 ـ تأکید بر نقش جوان 15](#_Toc429409778)

[5 ـ تأکید بر نقش زن 15](#_Toc429409779)

[اهمیت دادن امام (ره)به نقش زنان 16](#_Toc429409780)

[6 ـ وحدت حوزه و دانشگاه 16](#_Toc429409781)

[7 ـ بیان ویژگی‌های اسلام آمریکایی 16](#_Toc429409782)

[8 ـ حج یک عبادت خالصانه 16](#_Toc429409783)

[9 ـ دقت فقها بر مشکلات اجتماعی 17](#_Toc429409784)

[زنده‌بودن راه امام (ره) 17](#_Toc429409785)

[تأکید به حضور درصحنه انتخابات 17](#_Toc429409786)

[شکر گذاری نعمات خداوند 18](#_Toc429409787)

[دعا 18](#_Toc429409788)

# خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# سالگرد ارتحال امام (ره) و شهدای 15 خرداد

سالگرد ارتحال امام (ره) را به همه حضار گرامی تسلیت می‌گویم. و سی‌امین سالگرد شهادت شهدای 15 خرداد را گرامی می‌داریم و به همین مناسبت صحبت من در هر دو خطبه در ارتباط با امام و 15 خرداد است.

# ارتحال آیت‌الله‌العظمی بروجردی

آنچه در خطبه اول در نظر گرفته‌ام عرض بکنم. اشاره‌ای به تاریخچه 15 خرداد و ورود امام (ره) درصحنه مرجعیت عالم تشیع و رهبری یک انقلاب بزرگ است. که باید همواره آن تاریخ حرکت ساز و 15 خرداد و مبدأ نهضت که امام (ره) به آن عشق می‌ورزیدند، در خاطره و حافظه ما همیشه زنده باشد.

فروردین‌ماه سال 1340 شمسی، مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی که یک مرجعیت عامه و متمرکز در عالم تشیع داشتند، ارتحال می‌کنند. و دستگاه طاغوتی و وابسته شاهنشاهی که نقشه‌های زیادی را برای محو اسلام و از بین بردن روحانیت و مذهب در سر می‌پروراند با ارتحال مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی احساس آرامش کرد و به گمان واهی و باطل خودشان سد بزرگی که در برابر نقشه‌های شوم استعمارگران وجود داشت، از بین رفت.

# تضعیف جبهه ملی

و از همان سال چهلم شمسی فروردین‌ماه که ایشان مرحوم شد نقشه‌های جدیدی در کشور ما به صحنه آورده شد و برنامه‌های جدیدی ریخته شد تا آثار دین، مذهب، روحانیت و همه استقلال و عظمت این کشور را پایمال بکنند و در اختیار اجانب و بیگانه‌ها قرار دهند. و در همان سال یک رجل روحانی سیاسی بزرگ مرحوم آیت‌الله کاشانی که در نهضت نفت نقش بزرگی را ایفا کردند در پایان ‌همان سال ایشان ‌هم از دنیا رفتند و دستگاه شاه در برابر خودش، نه بروجردی مرجع یگانه عالم تشیع داشت و آیت‌الله کاشانی هم از دنیا رفت و جبهه ملی یا خاموش شدند یا وابسته شدند.

# کنار رفتن مردم و حزب توده

حزب توده خفه‌شده بود و افرادی هم در گوشه و کنار کشور که احیاناً دولت روی آن‌ها و دولت وقت و رژیم شاه حساب می‌کرد، کنار رفته بودند.

یک بقایایی از مبارزه در دانشگاه و در میان روشن‌فکران و بعضی محیط‌ها هنوز باقی بود و این‌ها برای شاه چیزی نبود. آن سد پولادین و دژ استوار روحانیت فکر می‌کرد فروریخته است. اما این خیال واهی بود و غافل از اینکه **«ما نَنْسَخْ مِنْ آیةٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَیرٍ مِنْها أَوْ مثلها» [[3]](#footnote-3)** اگر بروجردی رفت و اگر آن پشتوانه قم و حوزه علمیه از میان رفت مرجعی دیگر و عالمی بزرگ‌تر و رجل الهی که به‌مراتب قوی‌تر در عرصه سیاست و مبارزه طلوع خواهد کرد. اما آن‌ها در سال 40 شمسی یک‌نفس راحتی کشیدند.

# تشییع‌جنازه آیت‌الله بروجردی

البته خود مراسم تشییع‌جنازه مرحوم آیت‌الله بروجردی آن خیال واهی را یک مقدار عوض کرد برای اینکه دید مردم در قم عاشورای بزرگی را در ارتحال مرجع خودشان به پا کردند و دید که علی‌رغم اینکه بروجردی رفت اما فطرت‌های دینی و ضمیر پاک مردم و خداخواهی مردم سر جای خودش هست. و دید که آن قدرت دینی هنوز وجود دارد. در تشییع‌جنازه آیت‌الله کاشانی در تهران باز باشکوه خوبی برگزار شد و دستگاه آن را دید.

# نقشۀ شوم رژیم

دستگاه و رژیم شاه و آمریکا به یک‌چیز دل‌خوش کرده بودند و آن چیز این بود که رهبری واحد و متمرکز در قم و در عالم تشیع طلوع نکند. خیلی دل‌بسته بودند و واقعاً هم اگر ما امام نداشتیم یا امروز دین و معنویت را از ما گرفته بودند یا دچار آن دعواها و اختلاف‌هایی می‌شدیم که الآن در افغانستان می‌بینیم. علی‌رغم فکر واهی آن‌ها و خواسته آن‌ها قم زنده شد.

# ظهور امام (ره) درصحنه مرجعیت

با ظهور امام (ره) درصحنه مرجعیت عالم تشیع، یک دگرگونی بزرگ در تاریخ پیدا شد. اگر تا قبل از آن دوره مراجع معمولاً اهل سخنرانی‌های مکرر، اهل پیام دادن، دخالت فعال در امور سیاسی مردم نبودند، امروز در کرسی مرجعیت رجلی و شخصیتی ظهور پیدا می‌کند که اول سیاست‌مدار عالم است و با ذهن روشن و ضمیر پاک خود همه ترفندهای سیاسی دنیای معاصر را می‌شناسد.

# سنجش قدرت مردم

این‌ها به آن خلع مرجعیت و رهبری بعد از مرحوم آیت‌الله بروجردی دل‌بسته بودند، به آزمایش دست زدند تا قدرت مردم را بسنجند، دشمن اول آزمایش می‌کند که چه مقدار ما درصحنه هستیم، چه مقدار هوشیاری و بیداری داریم و بعد قدم‌به‌قدم جلو می‌آید.

# حذف قرآن و اسلام از قانون

اولین نقشه شیطانی و استعماری خودشان را با طرز داستان انجمن‌های ایالتی و ولایتی و قانون انتخابات مطرح کردند و طبق آن مصوبه‌ای که دولت آن زمان در سال 1340 داشت.

نام قرآن در قانون مبدل به کتاب آسمانی شد و برای فریب دادن مردم به زنان حق رأی داده شد و عمده آن است که قرآن و اسلام به‌عنوان کتاب و دین رسمی کشور از قانون حذف شد. این اولین آزمایشی است که رژیم بعد از آیت‌الله بروجردی می‌خواهد انجام دهد.

# عقب‌نشینی دولت

امام (ره) پشت جریان مراجع را جمع کردند، روحانیون شهرها را وارد صحنه سیاست کردند، و به مردم آگاهی و هوشیاری دادند و از آن وقتی‌که آن قانون تصویب شد سال 41 مهرماه، به مدت دو ماه روحانیتی که فکر می‌کردند بعد از آیت‌الله بروجردی دیگر قدرت کار و پشتوانه حرکت ندارند.

روحانیت و مردم بیدار سراسر کشور در طول دو ماه وارد صحنه برخورد با اسدالله علم نخست‌وزیر حلقه‌به‌گوش آمریکا و شاه و غیرمستقیم خود شاه وارد این مبارزه شدند. و با تلگراف‌ها، حضور درصحنه، سخنرانی‌ها دولت مجبور شد که عقب‌نشینی کند. دو ماه آن نهضت اول طول کشیده است، سال 41 شمسی.

و بالاخره بعد از اسراری که مراجع روحانیت و مردم کردند آن‌ها از موضع خودشان عقب نشستند.

# بیداری امام (ره)

تاریخ نشان می‌دهد آنکه از همه بیدارتر بود و بهتر می‌فهمید که این‌ها دارند چه می‌کنند، امام بود. همان‌طور که ایشان درصحنه رهبری حضور داشتند، در پشت‌صحنه نشست‌های مراجع، روحانیون و هدایت حرکت مردم هم حضور داشتند و کار را به‌جایی رساندند که دولت وقت با همه آن امیدهایی که داشت که حرکت اسلام زدایی را بعد از بروجردی شروع کند، دیدند که این کار شدنی نیست.

# حرف نهایی حوزه قم در برابر دستگاه پهلوی

برای اولین بار حوزه بزرگ قم که به دست مرحوم آیت‌الله حائری پایه‌ریزی شده بود و با درایت و رهبری آیت‌الله بروجردی پایه و جان گرفته بود، قم برای اولین بار اسلام و روحانیت تشییع در برابر دستگاه پهلوی حرف نهایی را زده بود.

پشت جریان و هدایت‌کننده اصلی جریان، این مرد بزرگ الهی بود که مجبور شد رسماً تلگراف بزند و بگوید که ما دست از آن قانون برداشتیم، نخست‌وزیر وقت و به همین هم اکتفا نکردند امام فرمودند که ما به یک تلگراف کلاه سرمان نمی‌رود.

# لغو قانون ضد اسلامی

باید رسماً در رسانه‌های گروهی اعلام بکنید که این قانون ضد اسلامی است.

با این سخن امام شاید کسانی بودند که می‌گفتند حالا که تلگرافی از نخست‌وزیر آمده دیگر مشکلی ندارد. امام فرمودند نه این کلک است و اگر راست میگویید همان‌طور که در رسانه‌های گروهی تصویر این قانون ضد الهی و شیطانی را اعلام کردید لغو آن را هم باید اعلام کنید. و این‌طور شد که در روز دهم آذر 1341 بعد از گذشت حدود دو ماه از یک مبارزه جدی روحانیت و مردم با یک قانون ضد اسلامی روحانیت، قم و مردم بر دستگاه پیروز شدند. این اولین کار بزرگی بود که امام انجام داد.

# سخنرانی امام (ره)

بعدازآن امام (ره) سخنرانی کردند و خیلی‌ها به همین اختفا کرده بودند ولی امام (ره) در ذهن مبارکشان طرح بزرگ‌تری را می‌پروراندند و می‌دانستند که با لغو یک قانون ضد اسلامی بنا نیست کشور اصلاح شود، بنا نیست این‌ها دست از نقشه‌های خود بردارند.

امام (ره) بعد از پیروزی روحانیت در این صحنه در جمع طلاب قم و هنگام شروع درس سخنرانی کردند و خیلی‌ها دیگر ساکت شده بودند و گفته بودند که به هدف رسیدیم.

امام (ره) به طلاب، روحانیت و مردم گفتند دیدید که شما قدرت دارید؟ دیدید که اگر شما یگانه باشید و زیر پرچم اسلام جمع باشید و از حمله مهاجم نهراسید، دارای قدرتی هستید که مصوبه رسمی نظام سراپا مسلح وابسته به آمریکا آن‌هم بعد از مرحوم بروجردی که هنوز مرجعیت واحد نیست و انواع مشکلات درونی داریم دیدید که چطور بر دشمن پیروز شدیم؟ پس می‌توانید کارکنید. در این جریان روحانیت پیروز شویم. دستگاه شاه رفت. دنبال این است که انتقام بگیرد. دیدید که در این صحنه نتوانست کار کند.

# مسئله انقلاب سفید و اصلاحات شاه

شاه برای مرحله دوم مسئله انقلاب سفید و مواد شش‌گانه اصلاحاتش را مطرح کرد، درزمانی بود که دموکراتی‌ها در آمریکا روی کار آمده بودند و اسرار داشتند که یک اصلاحاتی باید انجام بگیرد وگرنه مردم شورش می‌کنند.

نخست‌وزیر هم امینی بود و آمریکا ظاهراً این را به شاه منتقل کرده بود که یا خودت باید وارد کار شوی یا تخت و تاجت درخطر است و یا امینی را بیاور. شاه خودش برای دومین مرحله وارد کار شد، در مرحله اول شکست‌خورده بود.

آمریکا درواقع و به‌حسب ظاهر هم دولت و شاه و برای دومین قضیه‌ای که پیش می‌آید مسئله انقلاب سفید و اصلاحات شاه و رفراندوم است که هم ازنظر قانونی و هم ازنظر شرعی اشکالاتی در آن بود.

خیلی‌ها دیگر خسته شده بودند در دو ماه مبارزه فکر می‌کردند که بالاخره پیروز شدند ولی خیلی زحمت کشیدند. امام دست برنداشت و در مقابل آن رفراندومی که شاه می‌خواست برگزار کند آرام‌آرام در طول مبارزه حملات خودش را، دستگاه و نخست‌وزیر به شخص شاه می‌برد، برای اینکه مشکل اصلی هم همان‌جاست.

# توهین به روحانیت و حوزه

در رفراندوم امام بیانیه 7،8 ماده است که ازنظر قانونی و شرعی اشکالات آن را بیان می‌کند.

در همان دور آن‌هم شاه یک مسافرتی با قم داشت و با وضع فلاکت‌باری هم آمده بود و توهین‌هایی عجیب غریبی هم به روحانیت و حوزه کرده بود. ارتجاع سیاه را آنجا مطرح کرده بود و اینکه ارتجاع سیاه از ارتجاع سرخ بدتر است و شما مثل کرم‌هایی هستید که .... این توهین‌ها را کرده بود.

# برگزاری رفراندوم

امام (ره) در قضیه رفراندوم کوتاه نیامد، آن‌ها هم دیدند که اگر این‌طور باشد باید همه‌جا کوتاه بیایند و این امکان ندارد. رفراندومشان را در ششم بهمن 1341 برگزار کردند. با آن وضع مفتضحی که داشتند. و امام آن حرکت روشنگری و بیدار کردن مردم را ادامه دادند.

# حمله به فیضیه

خرداد 1342 و محرم 1383 قمری که می‌رسد امام (ره) آن سخنرانی را می‌کنند البته مسبوق این جریان‌ وقتی‌که روحانیت و قم با او این‌طور رفتار می‌کند و با این قاطعیت مقابل آن‌ها ایستاده در 25 شوال و دوم فروردین 1342 حمله به فیضیه کردند، طلبه‌ها را زدند، از بالای پشت‌بام پرتاب کردند، مردم را زدند درزمانی که حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی هم بودند.

# سخنرانی امام (ره) بعد از حمله به فیضیه

امام (ره) از این جریان کمال بهره‌برداری را کرد. در سخنرانی‌های بعدی که ما چه گناهی داشتیم؟ آیا ما جز برای صلاح ملت و استقلال، عظمت و بقای دین و مذهب حرف زدیم؟ جزای ما این بود که شما به فیضیه حمله کنید و با طلبه‌هایی که در مکتب امام صادق (ع) درس می‌خوانند این‌طور رفتار کنید؟ این جریان شروع شد. امام (ره) پیام‌ها، سخنرانی‌ها یکی پس از دیگری بعد از قضیه فیضیه انجام دادند. و اوج برخورد امام (ره) و روحانیت زنده و بیدار در قم با دستگاه با عاشورای 1383 و خرداد 1342 مجسم شد.

# سخنرانی امام (ره) در روز عاشورا

از هر سو فهمیدند که امام (ره) بناست روز عاشورا که جمعیت عظیمی در قم جمع می‌شود و آن سال به خاطر حوادث مختلف یک حساسیت ویژه‌ای وجود دارد امام تصمیم گرفتند روز عاشورا یک مرجع و در مقام مرجعیت در پایگاه امام صادق (ع) بر کرسی خطابه بنشیند و حقائق را برای مردم بازگو کند.

از کانال‌های مختلف فشار و اصرار شروع‌شده بود که امام این سخنرانی را نکند. از داخل خود روحانیت با کانال‌های مختلف امام را هشدار دادند که ممکن است خطری برای شما باشد.

رئیس ساواک قم پیام مخصوصی را از شاه آورده بود که ما در این قضیه کوتاه نمی‌آییم و اگر شما در روز عاشورا در فیضیه قم بخواهید صحبت کنید حمام خون به راه می‌افتد.

# کوتاه نیامدن امام (ره) از سخنرانی

هر کس بود کوتاه می‌آمد، هرکس بود دلش می‌لرزید و اگر همان‌جا می‌لرزید تاریخ عوض می‌شد. و نکبت‌های فراوان‌تری بر سر این ملت می‌آمد و اسلام را از ما می‌گرفتند.

علی‌رغم همه فشارها که از کانال‌های مختلف روی امام (ره) بود برای اینکه سخنرانی روز عاشورای خودشان را در فیضیه لغو کنند امام تصمیم خود را گرفته بود. او رجل پاک و مخلص و بنده خالص خدا بود (من کان لله کان الله له) او میان خودش و خدای خودش پاک بود. بنابراین از هیچ‌چیز نمی‌ترسید.

مردم هم نشان دادند که اگر کسی راست بگوید و اگر شخصی جدی باشد، مردم هم آماده فداکاری هستند و توده‌های مردم و فطرت پاک مردم امام را شناخته بود و در طول جریانات یکی‌دوساله بعد از مرحوم آیت‌الله بروجردی وجدان روحانیت در قم و طلاب جوان و وجدان اجتماعی مردم دریافته بود که یگانه کسی که می‌تواند از مجد اسلام و عظمت اسلام و ارزش‌های والای الهی دفاع کند خمینی کبیر (ره) است.

# تغییر مسیر تاریخ با سخنرانی امام (ره)

امام نهراسید و تصمیم به سخنرانی را لغو نکرد و نزدیک ظهر عاشورا سوار یک ماشین روباز و سرباز شد و در میان خطرهای فراوان از خیابان‌های قم عبور کرد و وارد پایگاه امام صادق (ع) فیضیه آن پایگاه جهاد و اجتهاد شد. جمعیتی که از سراسر کشور در آنجا جمع بودند و مردم فداکار قم و طلاب مجاهد و فداکار گرداگرد ایشان حلقه زدند و نزدیک ظهر عاشورا بر کرسی خطابه به سخنرانی نشست و مسیر تاریخ را با آن سخنرانی عوض کرد و راه آینده ملت اسلام را به آن‌ها نشان داد و برای اولین باریک مرجع از پایگاه امام صادق (ع) با یک سخنرانی قرا و خطابه آتشین نقشه‌های شیطانی استعمار و آمریکا و اسرائیل و شخص شاه را در آنجا برملا کرد.

# تجدید عاشورای حسینی

همه تقیه‌های گذشته و حرمت‌هایی که تا آن روز نسبت به شخص شاه اعمال می‌شد امام این پرده‌ها را درید. فرمود مصیبت ما از سه جا ناشی می‌شود.

فقط به شاه هم اکتفا نکرد. امروز برای ما این مسئله ساده است آن‌وقت ساده نبود و گفتن و فهمیدنش هم ساده نبوده امام (ره) فرمودند روحانیون ما را در ساواک احضار کردند به آن‌ها گفتند درباره آمریکا، اسرائیل و شاه صحبت نکنید. یعنی خطر ما از این سه رکن است و این مسئله‎ای است که این مصیبت را در کشور به بار می‌آورد.

آن نقشه آمریکا و آن مزدوری اسرائیل و سرسپردگی شاه است که طراحی کردند برای اینکه اسلام را در اینجا از بین ببرند امام دردهای اصلی را برای اولین بار در یک مجمع بزرگ مذهبی و دینی مطرح کردند و عاشورای حسین (ع) را در سال 42 تجدید کردند و تاریخ عوض شد.

# احساس آرامش امام (ره) بعد از سخنرانی

از مرحوم آقا مصطفی فرزند بزرگوار امام نقل‌شده که تا قبل از این سخنرانی امام (ره) گرفته بود.

بعدازاینکه آن سخنرانی را کرد تازه اول خطر بوده می‌گفتند اصلاً کسی جان سالم از این سخنرانی درنمی‌برد. و بعد هم آن‌قدر ازدحام جمعیت بوده که ایشان با نردبان از پشت مدرسه فیضیه از طرف رودخانه رفته بودند.

مرحوم آقا مصطفی نقل می‌کرده که ایشان می‌گفتند که من تا قبل از آن ترس از این داشتم که وظیفه خودم را نتوانم عمل کنم. این را وظیفه می‌دانستم، و وقتی‌که این صحبت انجام شد احساس آرامش کردم. احساس کردم که تکلیف بزرگ الهی خودم را به ملت اعلام و ابلاغ کردم.

# اسلام درخطر

با این سخنرانی مبارزه وارد جریان جدی می‌شود. دیگر قضیه نخست‌وزیر و دولت و مسائل ریز و فلان قانون و مقررات نیست. مسئله شخص شاه، اسرائیل و آمریکا است.

مسئله این است که چرا باید درحالی‌که اعراب در جنگ با اسرائیل هستند شاه ایران صمیمی‌ترین روابط را با اسرائیل داشته باشد. مسئله این است که آمریکا چه حقی دارد برای یک ملت مسلمان تعیین سرنوشت کند و مسئله این است که اسلام از اساس درخطر است. و به تعبیر خود امام (ره) خطر امروز مثل خطر بنی‌امیه است و باید همه بایستند و تقیه را کنار بگذارند ولو این‌طور مبارزه وارد یک‌فاز جدید و برنامه جدید می‌شود.

جالب این است که در جریان‌های قبلی وقتی‌که نخست‌وزیر می‌خواهد القاء قوانین ضد اسلام را تلگراف بزند به علمای دیگر تلگراف میزند. اما به امام (ره) بااینکه ایشان ‌هم تلگراف داده بود جواب نمی‌داد که ما تو را قبول نداریم درحالی‌که همین باعث جلب مودت و محبت مردم می‌شد.

# درخشندگی صحنه مرجعیت با حضور امام (ره)

حالا می‌بیند که داستان این مرد الهی شوخی نیست، یک قضیه جدی آن‌هم نه در سطح کشور بلکه در جهان اسلام و در برابر استکبار جهانی مطرح است. و علی‌رغم همه فکرهای واهی خودشان با چشمان خودشان دیدند که بعد از بروجردی شخصیت والاتری درخشید و ماه مجلس شد و صحنه مرجعیت امت اسلام با حضور و وجود او درخشندگی خاصی پیدا کرد و نسل جوان و تحصیل‌کرده‌های کشور و نسل جوان حوزه و همه امت اسلام آمال و آرزوهای خودشان را در آن چهره نورانی مجسم دیدند و مگر می‌شود نور خدا را این‌گونه خاموش کرد؟

# دستگیری امام (ره)

تصمیم را گرفتند که برخورد جدی بکنند و امام (ره) را دستگیر کردند اما مردم رشید و فداکار قم و تهران و تعدادی دیگر از شهرهای کشور به‌مجرداینکه فهمیدند امامشان دستگیرشده صبحگاه 15 خرداد با فریاد (یا مرگ یا خمینی) به صحنه آمدند.

او واقعاً ازخودگذشته بود برای اینکه دنیای کفر مجد اسلام را و عظمت تشیع را با آن فداکاری شناخته بود.

امام (ره) منتقل به زندان شدند و تا مرز شهادت رفتند اما علما جمع شدند اجتهاد ایشان را تبعید کردند و ایشان را به شهادت نرساندند و فشار زیادی بود ایشان را از زندان به قیطریه و یکجایی که در تحت محاصره بودند منتقل کردند و برای مدت زیادی امام (ره) در حبس بودند. تا اینکه در اول فروردین 1343 حدود 8،9 ماه امام در زندان و حبس بودند. انواع نقشه‌ها را در آنجا اعمال کردند که امام (ره) را تحلیف و از صحنه درکنند دیدند که این کار شدنی نیست.

# آزادی امام (ره)

اول فروردین گفتند ایشان را آزاد کنیم ببینیم چه می‌شود، ایشان را آزاد کردند بعد هم در روزنامه‌ها نوشتند که ایشان با ما سازش کرده است. اولین سخنرانی که در درسشان کردند فرمودند که هرگز من با دستگاه سازش نمی‌کنم و بر سر مواضعم ایستاده‌ام.

# مسئله کاپیتولاسیون

دنبال همین جریان در اواخر سال 1343 مسئله کاپیتولاسیون مطرح می‌شود و در این قانون که حق دخالت در امور داخلی و امتیازات فوق‌العاده‌ای را به مستشارهای آمریکایی می‌داد امام (ره) بار دیگر درصحنه حاضر شد. و فرمود سکوت در برابر این جایز نیست.

نخست‌وزیر در مجلس آن‌وقت آزادی، عظمت و استقلال ما را فروختند. و با موضع‌گیری امام (ره) این‌ها دیدند که دیگر جای تأمل ایشان نیست و به دنبال آن جریان امام (ره) تبعید می‌شود.

# خط‌مشی امام

آنچه در طول این دو سه سال بعد از مرحوم آیت‌الله بروجردی به‌وضوح قابل‌مشاهده است این است که امام (ره) با دیگران فرق دارد.

امام (ره) که ازنظر فقه، اصول، فلسفه، عرفان، تفسیر و اخلاق سرآمد زمانه خودش است در عالم سیاست هم دارای تیزبینی و هوشیاری است که دیگران آن را ندارند. و امت اسلام و مردم دریافتند که آمال و آرزوهایشان در او مجسم است و باید از او پیروی کنند. و این‌گونه بود که امام مرجعیت قاطعی پیدا کرد و زعامت انقلاب بر دوش ایشان نهاده شد.

# دعا

خدایا در این روز که روز جان‌سوز ارتحال آن امام عزیز است از تو می‌خواهیم بر درجات این مرد بزرگ و رجل عظیم‌الشأن الهی بیفزا، ما مدیون آن رجل الهی هستیم! خدایا به ما توفیق ادامه راه او را عنایت بفرما!

**«بسم الله الرحمن الرحیم وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِاالصبر[[4]](#footnote-4)»**

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.** اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[5]](#footnote-5)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه شما برادران و خواهران نمازگزار و خودم را به تقوای خداوند و توجه به مرگ و ذکر و یاد خداوند و توجه به عوالم غیب و فناپذیری این عالم مادی سفارش و دعوت می‌کنم. و از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق بندگی خالصانه او و آزادی و رهایی از وسوسه‌های شیطانی و تهذیب نفس و اخلاص در نیت و در عمل را عنایت بفرماید.

# نگاهی به خطبه اول

همان‌طور که عرض کردم به مناسبت 14 خرداد سالگرد ارتحال امام و سی‌امین سالگرد 15 خرداد خطبه اول و دوم در همین زمینه در مورد شخصیت امام و نهضت 15 خرداد است.

در خطبه اول من سعی کردم فهرست‌وار برای عزیزانی که شاید الآن مستحضر نبودند جریان‌هایی که بعد از مرحوم آیت‌الله بروجردی تا دوران تبعید امام به ترکیه و بعد به نجف اجمالاً توضیح دهم. و البته جشن‌های 2500 ساله در دوران تبعید امام و بعد از جریان انقلاب را بیشتر می‌دانید.

آن مقطع اول و آغازی که امام (ره) ظهور کرد و با خواست مردم و بااراده الهی به مرجعیت زعامت امت رسیدند اجمالاً تشریح کردند. و اما آنچه در خطبه دوم در نظر گرفتم در این محضر گرامی و در جایگاه نماز عرض بکنم نکات برجسته فکر و اندیشه امام است.

# طرح یک حکومت الهی توسط امام (ره)

امام از همان 15 خرداد و قبل از آن و حتی از دوران جوانی و همان‌ وقت که کشف‌الاسرار را نوشتند طرح یک حکومت الهی را در سر می‌پروراندند. و برخلاف دیگران که خواسته‌های جزئی و معمولی داشتند در طول نهضت، امام (ره) دنبال یک طرح بزرگ و یک تحول عظیم و برپایی یک نظام الهی بودند.

چیزی که برای همه سیاست‌مداران و همه کسانی که دست‌اندرکار مسائل سیاسی بودند شدنی نبود. و همان چیزی که علمای بزرگ ما حتی نمی‌توانستند تصورش کنند و مأیوس بودند از اینکه بشود کاری کرد.

اما امام (ره) از همان آغاز یک نقشه و یک طرح را در سر می‌پروراندند. و افرادی را ساخته بودند که در همین مسیر قدم بردارد و وجدان مردم هم آن طرح را و آن تز امام را پذیرفت. نه با یک رأی‌گیری ساده که در معرکه‌های خون و شهادت مردم پایبندی خودشان را به اندیشه امام اعلام کردند و امام یک فلسفه سیاسی خاص و شیوه‌ها، تاکتیک‌ها و اندیشه‌هایی را در سر می‌پروراندند که آن مبنای این انقلاب بود.

# نکات برجسته فکر امام (ره)

من سعی می‌کنم نکات برجسته فکر امام (ره) را که امروز هم اگر ما بخواهیم در دنیا سربلند باشیم و این وظیفه الهی خودمان را انجام دهیم فهرست‌وار اشاره می‌کنم.

# 1 ـ مسئله رهبری و ولایت‌فقیه

یک اصل بزرگ و مهم در ذهن امام (ره) مسئله رهبری و ولایت‌فقیه بود. امام (ره) معتقد بودند که بر مبنای تفکرات اسلامی، رهبری و هدایت جامعه باید در دست یک شخصیت علمی و صالح باشد. این از مبانی فکری امام (ره) بود. که در همین سال‌های اخیر با تمام جدیت روی مسئله ولایت مطلقه فقیه و اینکه حکومت اسلام بدون ولایت‌فقیه امکان‌پذیر نیست اصرار فراوان داشتند و از اصول مهم فکری امام (ره) است.

# 2 ـ مجاهده و برخورد قاطع با دشمنان اسلام

امام (ره) با تعصب خاص دینی که داشتند معتقد بودند که عصر عصری است که باید در برابر ظلم و نقشه‌های دشمنان اسلام با قاطعیت ایستاد. امام (ره) با همه وجود به این اصل معتقد بودند و روند جریان‌ها هم نشان داد که امام (ره) خوب تشخیص داده بودند.

# حیرت دینی و تعصب مذهبی امام (ره)

ایشان از همان دوره جوانی چنان خود را ساخته بود که سراپا حیرت دینی و تعصب مذهبی بود. امام (ره) واقعاً ازخودگذشته بود.

چیزی که برای ما اصلاً قابل‌تصور نیست امام (ره) به آن رسیده بود. ما در کوچک‌ترین کارها دنبال خود هستیم. معمول ما دچار این مشکل هستیم اما امام (ره) نبود همین الآن یکی از دوستان نقل می‌کردند که یک تاجری برای امام (ره) مقداری وجوهات فرستاده بوده، خوب کسی که وجوهات می‌دهد توقع احترام و ... دارد. درحالی‌که وظیفه الهی اوست و باید انجام دهد. کسانی که زیاد دارند و نمی‌دهند خودشان گناه‌کارند. کسی بنا نیست از آن‌ها چیزی مطالبه کند.

امام (ره) باج نمی‌داد ایشان نقل می‌کرد که آن تاجر پولی فرستاده بود. امام (ره) نوشته بودند که ان‌شاءالله قبول باشد. یک کسی از اطرافیان امام (ره) یا از روحانیون آمده و گفته بود که یک احترامی، یک تعارفی چیزی این‌طور که نمی‌شود امام (ره) فرمودند: پولت را نمی‌خواهم. این قلب پاک که نگاهش به دنیای دیگران نباشد آن‌وقت خدا هم برایش جور می‌کرد.

به‌زور رساله از ایشان گرفتند، به‌زور مرجعیت در خانه او رفت و قسم خورد که و الله یک‌قدم برای ریاست برنداشتم. این‌ها حرف ساده‌ای نیست. واقعاً این نعمتی که ما از آن برخوردار شدیم نعمت عظمایی بود که در طول قرن‌ها مردم انتظارش را می‌کشیدند.

# 3 ـ اعتماد به مردم

آن زمانی که امام (ره) وارد صحنه مبارزه شدند دستگاه حاکم بر کشور که بیگانه از مردم و مزدور اجانب بود. علما، روشن‌فکرها و کسانی هم که در کشور با دستگاه مخالفتی داشتند اعتماد به مردم نداشتند.

خیلی از علمای بزرگ می‌گفتند که به مردم نمی‌شود اعتماد کرد. امام (ره) در فلسفه سیاسی‌شان معتقد بودند که اگر درست با مردم برخورد شود، بهای لازم داده شود، مردم درک و رشد سیاسی داشته باشد، مردم خودشان درصحنه هستند، زور زدن هم نمی‌خواهد.

اگر ما درست عمل بکنیم مردم درصحنه هستند. برای اینکه مردم وجدان پاک و ضمیر صاف الهی دارند. امام (ره) از اصول اعتقادی آن‌ها در فلسفه سیاسی و تفکرات اجتماعی‌شان این بود و از همان سال‌های آغازین در 15 خرداد و در طول انقلاب تکیه‌گاه امام بعد از خدا و در پرتو عنایات خدا مردم و اصل اعتماد بر امت بود. و اسلام می‌گوید که مسئولین و قشرهای دیگری که امتیازی برای خودشان قائل‌اند ارزش این‌ها به این است که در خدمت مردم باشند وگرنه هیچ ارزشی ندارند این‌یک تفکر امام (ره) بود.

# 4 ـ تأکید بر نقش جوان

امام در داخل حوزه و در سراسر کشور روی نیروی جوان و هدایت جوان تأکید داشتند برای اینکه این نیرو است که می‌تواند تحولات بزرگ را ایجاد کند. و کشور را از انحراف‌ها مصون بدارد.

# 5 ـ تأکید بر نقش زن

درست همان چیزی که دستگاه می‌گفت این‌ها با حقوق زنان مخالف‌اند دقیقاً امام (ره) در طول سال‌های مبارزه خودشان این بیست‌وچند سال نشان دادند که برای زن ارزش قائل‌اند. نه ارزشی که غرب می‌خواهد که زنان و دختران ما را پای مطامع شهوت‌رانان و مردهای شهوت‌ران فدا کند این ارزش نیست. این حیوانیت است. آن دختر و زنی که خودش را اسیر مطامع مرد کند او انسان نیست او در مسیر حیوانیت قدم برمی‌دارد.

# اهمیت دادن امام (ره) به نقش زنان

1 ـ نقش مهم تربیتی در کانون خانواده که باید محور و پایگاه مهر و محبت و تربیت فرزندان سالم و دختران و پسران شایسته باشد. و این نیاز به این دارد که زن اطلاعات و سواد داشته باشد. و رشد سیاسی و علمی داشته باشد. اسلام هم همین نقش را برای زن قائل است.

2 ـ نقش اجتماعی، امام (ره) معتقد بودند الگوی زن‌ها خدیجه کبرا (س) است که در کنار پیامبر (ص) اسلام را پایه نهاد و فاطمه زهرا (س) است که در کنار امام علی (ع) ولایت و امامت دفاع کرد و الگوی زنان زینب (س) است که پیام نهضت عاشورا را به دنیا ابلاغ کرد. امام (ره) هم نقش تربیتی برای زن قائل بود و هم نقش بزرگ اجتماعی و در طول انقلاب همان 15 خرداد، همان راه‌پیمایی‌های 56 و 57 از نزدیک ناظر بودیم که زن باحجاب و عفیف مسلمان که از زینب (س) الگو گرفته است می‌تواند نقش مهم اجتماعی در تحولات داشته باشد.

امام روی مسئله نقش روحانیت و اینکه نقش روحانیت اختصاص به محراب ندارد و باید نقش سیاسی و اجتماعی داشته باشد تأکید داشتند. و کار ایشان این بود که حوزه‌ها را متحول کردند و تفکرات روحانیت را دگرگون کرد.

# 6 ـ وحدت حوزه و دانشگاه

هدایت دانشگاه به‌طرف تفکرات مذهبی و التیام بخشیدن میان این دو قشم است. چراکه سعادت ملت در این است که تحصیل‌کرده‌های او چه قدیم و چه جدید در کنار هم باشند.

# 7 ـ بیان ویژگی‌های اسلام آمریکایی

تا آمریکا اسلام را قبول دارد، اگر در قالبی که خودش می‌خواهد بگنجد والا آن اسلام ناب محمدی معلوم است که موردپذیرش آمریکا نیست. اخیراً رئیس‌جمهور آمریکا در پیام عید قربان اعلام کرده که ما حاضریم با مسلمانان ‌همکاری کنیم. افراط‌گرایی اسلامی درست نیست. رئیس‌جمهور آمریکا که دشمن اول مسلمان‌ها در کشورهای اسلامی است گفته است بله ما آماده هستیم با شما همکاری کنیم. تا اصول ناب اسلام پیاده شود. اسلام آن نیست که از کاخ سفید و دربار فهد بیاید یا اسلامی که از قرآن و سیره پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بیاید. امام روی اسلام آمریکایی و مشخصات آن تأکید داشتند.

# 8 ـ حج یک عبادت خالصانه

اصل دیگر در تفکرات اجتماعی امام (ره) این بود که حج همان‌طور که یک عبادت خالصانه است بخشی از این عبادت خالصانه براعت از مشرکین است. و دیدیم که دشمنان چقدر روی آن حساس هستند. و البته خدا هم آن‌ها را به این شکل رها نخواهد کرد. همین سال بااینکه آن‌ها ممانعت کردند درعین‌حال با هوشیاری و برنامه‌ریزی دقیق در همان منا، مسلمان‌های خالص ایران با حجاج ایران فریاد براعت از آمریکا و شرک و کفر و نفاق را سر دادند و مجد و عظمت اسلام را به آن‌ها نشان دادند.

# 9 ـ دقت فقها بر مشکلات اجتماعی

فقها باید مشکلات و معضلات اجتماعی را دقیق بشناسند تا بر اساس شناخت آن‌ها فقه را پاسخ‌گوی مشکلات اصلی کنند. ایشان ضمن اینکه یک فقیه بزرگ و مرجع عالی‌مقام بودند و معتقد به فقه سنتی و استنباط بودند درعین‌حال مسائل و مشکلات جدید را بر فقه عرضه می‌کردند و پاسخ آن را ارائه می‌دادند.

آنچه در تفکر امام مهم بود این بود که خودش مردی ساخته‌شده، که از مرگ نمی‌هراسید و به‌تمام‌معنا خود را خالص کرده و به این مقام رسیده بود و با این روح و اخلاص و عمق فکری بود که امام توانست معجزه اصل را پدید آورد و در عصری که همه تحدید می‌کردند که اسلام به آخر خط رسیده امام (ره) تازه اسلام ناب را عرضه کرد و جریان جدیدی از فقه و حکومت اسلامی در دنیا مطرح کرد. و این نعمت بزرگ الهی بود و ما از آن تا حدودی که می‌توانستیم استفاده کردیم.

# زنده‌بودن راه امام (ره)

راه امام (ره) در ولایت‌فقیه و رهبری مقام معظم رهبری مجسم است.

اندیشه‌ها و تفکرات امام در پیام‌ها، سخنان و نوشته‌های ایشان منعکس است.

من همین‌جا به همه خواهران و برادران عرض می‌کنم در برنامه مطالعاتی خودتان آشنایی با نوشته‌های امام (ره)، پیام‌های امام را جای دهید.

برای اینکه ما در آینده نیاز داریم که آن تفکرات خالص امام باقی باشد و امت ما برای تداوم آن راه و قدردانی از نعمت الهی باید درصحنه‌ها حاضر باشند و ازجمله صحنه انتخابات هفته آینده.

# تأکید به حضور درصحنه انتخابات

در وصیت‌نامه امام یک بخش مهم تأکید به حضور درصحنه انتخابات است و مردم ما واقعاً این را نشان دادند که پایبند به امام (ره) هستند. همان کسانی که هنوز هم در سوق امام در التهاب هستند معتقد به امام (ره) و راه ایشان هستند.

# شکر گذاری نعمات خداوند

اگر ما شکرگزار این نعمت بزرگ الهی باشیم و مشکلات را برای رسیدن به یک نظام کامل الهی تحمل‌کنیم و برای خدا و با تأسی به اولیای الهی رنج‌ها را تحمل‌کنیم و اطاعت از رهبری را حفظ کنیم خداوند هم ما را فزونی خواهد بخشید و ما را هدایت خواهد کرد. ان‌شاءالله

# دعا

خدایا همه شهدای ما را شهدای 15 خرداد را با شهدای کربلا محشور بفرما! روح مطهر امام بزرگوارمان را بر درجاتش بیفزا! خدایا ما را پیرو راه و صراط مستقیم خودت و راه امام با اولیای الهی قرار بده! ...

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . تفسیر القمی، ج 1، ص 58، [سورة البقرة (2): الآیات 104 الی 114 [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره والعصر [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره آل‌عمران،‌102 [↑](#footnote-ref-5)